[12] تخم مرغ را شكسته وخورده ام تكليفم چيست ؟ أبو بكر در پاسخ ماند وبه عمر مراجعه كرد، أو نيز همانند دوستش از پاسخ فرو ماند، ومسأله را به عبد الرحمان بن عوف ارجاع دادند از أو نيز پاسخى شنيده نشد، ناچار اعرابي را به خانه عالم غير معلم امير مؤمنان عليه السلام هدايت كردند، آن حضرت اشاره به حسنين عليهما السلام كرد وفرمود: از اين دو پسر از هر كدام كه مى خواهى سؤال كن. مرد عرب از امام حسن عليه السلام خواستار جواب شد، امام پرسيد: آيا شتر دارى ؟ گفت: دارم، فرمود: به تعداد تخم هائى كه از شترمرغ خورده أي، مادة شترانى را با شتران نر در آميز وبچه هاي آنها را به خانه خدا هديه كن، امام على عليه السلام فرمود: ممكن است بعضى از شتران مادة بچه نياورند، امام حسن عليه السلام پاسخ داد: ممكن است بعضى از تخمهاى شتر مرغ هم فاسد باشند، امام فرزندش را تحسين كرد وبه حاضرين توجه فرمود واز مواهب علمي وآگاهى فرزندش سخنها گفت واضافه كرد: آن كس كه به حسن عليه السلام علم آموخت همان خدائى است كه به سليمان بن داود حكمت آموخت. امام در زمان عمر دوران كودكى را پشت سر گذارده وبه دوران تازهء جوانى رسيد وسياست عمر اقتضا مى كرد كه مقام امام را بزرگ داند، وبزرگداشت پايگاه حسنين عليهما السلام را واجب شمارد وبراى آنان از غنائمي كه به مسلمين مى رسد، بهره أي قرار دهد، چنانكه گويند حله هائى از يمن به أو رسيد وعمر دو حله براى حسنين عليهما السلام فرستاد ونصيب آنان را از غنائم به ميزان پدرشان على عليه السلام قرار داد وآنان را شمار اهل بدر در _____